تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۸/۲۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۵/۲۶

بررسی ارتباط نظام سرمایه‌داری با فرش‌بافی کرمان در دوره‌ی قاجار

رضا صحت‌منش
استادیار و عضو هیئت علمی گروه تاریخ، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه جیرفت
rsm.hist@Gmail.com

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۵
بهار و تابستان ۱۳۹۸

چکیده

فرش‌بافی مهم‌ترین صنعت کرمان در اواخر دوره‌ی قاجار بود. این صنعت بیشترین نیروی کار را جذب کرد و بالاترین رقم صادرات کرمان را به خود اختصاص داد. عوامل متعددی در رونق فرش‌بافی کرمان موثر بودند. موثرترین عامل در رشد صنعت فرش‌بافی تقاضا و سرمایه‌گذاری خارجی بود. در پژوهش پیش رو با مراجعه به اسناد و منابع اصلی تاریخی، فرش‌بافی کرمان با ابزار تاریخی و روش توصیفی– تحلیلی به بحث گذاشته شده و در صدد است به این پرسش پاسخ دهد: چه ارتباطی میان نظام سرمایه‌داری و بازار جهانی با صنعت فرش‌بافی کرمان در دوره‌ی قاجار برقرار بود؟ یافته‌های پژوهش نشان داد که رشد فرش‌بافی ناشی از نوعی نظام تقسیم کار جهانی بود و بر اساس آن ایران در حاشیه‌ی نظام بازار جهانی قرار گرفت. تمرکز بر فرش‌بافی تا حدودی موجب رکود سایر صنایع شد و نیروی کار سایر صنایع جذب فرش‌بافی شدند. بنابراین فرش‌بافی در صدر صنایع ایران و کرمان قرار گرفت. میزان تجارت فرش کرمان در سال ۱۹۰۷–۱۹۰۶م/۱۳۲۵–۱۳۲۴ق، ۵۳/۲۱ درصد کل رقم صادرات کرمان را به خود اختصاص داد. این رقم در سال ۱۹۱۰–۱۹۰۹م/۱۳۲۸–۱۳۲۷ق به بیش از ۹۹/۵ درصد از رقم کل صادرات کرمان افزایش یافت. در سال منتهی به جنگ جهانی اول ۱۹۱۴–۱۹۱۳م/۱۳۳۲–۱۳۳۱ق صادرات فرش و شال کرمان به اروپا و امریکا از طریق بندرعباس ۹۷/۷۸ درصد صادرات کرمان بود.

واژه‌های کلیدی: سرمایه‌داری، فرش‌بافی، صادرات فرش، کرمان، قاجار

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

مقدمه

صنایع مرتبط به بافندگی همواره مهم‌ترین صنایع ایران بودند و در میان صنایع بافندگی فرش‌بافی را می‌توان مهم‌ترین آن‌ها دانست. آن چه که بیش از دیگر عوامل صنعت فرش ایران را مورد پسند بازارهای جهانی می‌نمود مواد اولیه‌ی مرغوب آن یعنی ابریشم و پشم و نیز ظرافت در بافت، به کارگیری طرح‌های سنتی و باستانی و بومی و نیز دوام و لطافت آن بود. از این رو فرش همواره جایگاهی ممتاز در ایران داشت. در میان فرش‌های ایرانی نیز، با همان سابقه و مرغوبیت و نیز دوام و لطافت، فرش‌های کرمانی معروف بودند. کرمان از مناطق مهم تولید پشم مرغوب به شمار می‌رفت و این پشم نیز بیشتر در صنایع بافندگی محلی به کار می رفت. کرمان در دوره‌ی قاجار یک مرکز مهم بافندگی بود و صنعت شال‌بافی مهم‌ترین صنعت کرمان در دوره‌ی قاجار تا ابتدای قرن بیستم میلادی بود. از اواخر قرن نوزدهم میلادی به مرور توجه و تمرکز از شال‌بافی متوجه فرش‌بافی شد و این صنعت در مدت کوتاهی به مهم‌ترین صنعت کارگاهی و خانگی کرمان تبدیل شد. روند رو به رشد این صنعت چه در ایران و چه در کرمان حاکی از نقش مهم شرکت‌ها و سرمایه‌ی خارجی در رشد این صنعت بود. بنابراین تمرکز بر فرش‌بافی در کرمان و رشد صنعت فرش به تنهایی مسأله نیست زیرا این صنعت پیشینه‌ی بسیار طولانی در ایران و کرمان داشت و مواد اولیه‌ی مرغوب از جمله ابریشم و پشم و نیز ساختار ایلی و عشایری زمینه‌ی بسیار مناسبی جهت تولید فرش ایجاد کرده بود. مشکل این جاست که صنعت فرش تنها صنعت ایرانی مورد توجه دولت‌ها و شرکت‌های خارجی بود و آنان به میزانی گسترده در آن مشارکت داشتند. مشارکت آنان در صنعت فرش نتوانست آن چنان این صنعت را متحول سازد و صنعت فرش کماکان سنتی باقی ماند. سایر صنایع ایران از توجه دولت‌ها و شرکت‌های اروپایی برکنار ماند. همراه با صنعت فرش بسیاری از صنایع ایران دچار انحطاط شدند اما صنعت فرش نه تنها انحطاط پیدا نکرد بلکه با همان شیوه و الگوی سنتی بیشترین کارگر را جذب نمود و بالاترین رقم کالاهای صادراتی ایران و کرمان به فرش اختصاص داشت. از این رو به نظر می‌رسد رابطه‌ای میان رشد فرش‌بافی در ایران و کرمان با شرکت‌های خارجی و تقاضای بازار جهانی برقرار بود. بر این اساس سؤال اصلی این است که چه ارتباطی میان نظام سرمایه‌داری و بازار جهانی با صنعت فرش‌بافی کرمان در دوره‌ی قاجار برقرار بود؟ با بررسی منابع به نظر می‌رسد که رشد فرش‌بافی در دوره‌ی قاجار رابطه‌ی مستقیمی با نظام بازار جهانی سرمایه‌داری داشت و رشد و رونق فرش‌بافی و صادرات آن ناشی از خواست بازار جهانی سرمایه‌داری و سرمایه‌گذاران خارجی بود و آنان در ایران تمرکز خود را بر صنعت فرش گذاشتند. با این رویکرد ایران وارد نظام تجارت جهانی شد و در حاشیه‌ی آن قرار گرفت و نتوانست نقش چشمگیری در تجارت جهانی داشته باشد. نقش ایران محدود به تولید فرش و کالاهای غیرضروری اما تجاریِ نظام سرمایه‌داری بود.

پیشینه‌ی پژوهش

در پژوهش "عوامل مؤثر بر رشد صادرات فرش و پیامدهای اقتصادی آن در قرن نوزدهم میلادی" (لعبت‌فرد و ثواقب، ۱۳۹۵)، فرش‌بافی ایران در قرن نوزدهم بررسی شده است. در این پژوهش فرش و تأثیرات آن بر اقتصاد داخلی و خارجی بررسی شده است و آن را در بهبود وضعیت اشتغال و ارز مؤثر دانسته‌اند. در زمینه‌ی فرش کرمان به عنوان جزیی از موضوع و به اختصار پرداخته شده است. در پژوهشی با عنوان "تحولات فرش دست‌باف ایران در دوره‌ی قاجاریه" (اتحادیه و پروان، ۱۳۸۹)، تجارت فرش ایران در مقایسه با کشورهایی چون چین، عثمانی و

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

هندوستان مقایسه شده است. ایمان زکریایی، شعیری و فروغی (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان بررسی تأثیر تغییرات قدرت سیاسی بر تحولات فرش کرمان در عصر قاجار، فرش کرمان را از منظر داخلی و در چارچوب گفتمان قدرت مورد بررسی قرار داده‌اند. نتیجه‌ی بررسی آن است که قدرت‌های سیاسی و اقتصادی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در گفتمان فرش کرمان بودند. در پژوهشی با عنوان تأثیر غرب بر قالی‌های دوره‌ی قاجار (خواجه احمد عطاری و همکاران، ۱۳۹٦)، نتیجه گرفته شده است که بسیاری از صنایع و هنرهای ایران از جمله نقاشی، معماری، شعر و ادبیات و هنرهای صناعی در دوره‌ی قاجار تحت تأثیر اندیشه‌های غربی دچار تغییر و تحولات شکلی و محتوایی شدند اما تنها صنعت فرش‌بافی سنت‌های هنری و فرهنگی را حفظ نمود. در بحث بافندگی کرمان، شال‌بافی در تحقیق "شال‌بافی کرمان در دوره‌ی قاجار ۱۲۹٦-۱۲۰۹ق" (بیگدلی و صحت‌منش، ۱۳۹٤)، بررسی شده و این صنعت مهم‌ترین صنعت کرمان در دوره‌ی قاجار تا پایان قرن سیزدهم معرفی شده است و رشد آن را ناشی از مواد اولیه‌ی مرغوب، شرایط محیطی و اقدامات کارگزاران محلی و دولتی دانسته‌اند. نویسندگان در این مقاله به اعتراضات شال‌بافان نیز پرداخته‌اند.

وجه افتراق پژوهش پیش رو با پژوهش‌های مذکور در این است که به فرش‌بافی کرمان می‌پردازد و به دلایل رونق و تأثیر آن در تجارت خارجی کرمان توجه نموده است. علاوه بر آن پژوهش تا حدود زیادی متکی به اسناد پارلمانی انگلستان و اسناد داخلی است و این صنعت را در چارچوب نظام بازار جهانی بررسی نموده است.

چارچوب بحث

سرمایه‌داری (Capitalism) نظامی است که کشورهای صنعتی، از راه ایجاد بازارهای جدید، صدور سرمایه، مکانیسم جهانی قیمت‌ها، داد و ستد مواد خام با کالاهای ساخته شده و فشارهای سیاسی و اقتصادی، از کشورهای کم رشد بهره‌کشی می‌کنند. این رابطه موجب شکل‌گیری پدیده‌ی استعمار شد زیرا سرمایه‌داری هم به مواد اولیه جهت ادامه حیات سیستم صنعتی و هم به بازار برای فروش کالاهای ساخته شده خود، نیازمند بود. در این رابطه کشورهای ضعیف با وجود استقلال سیاسی حقیقی یا ظاهری، همچنان در مراحل اولیه‌ی رشد اقتصادی درجا زدند و یا حتی عقب رفتند، و در برابر کشورهای پیشرفته از بهره‌برداری منابع آن‌ها و از راه داد و ستد اقتصادی سودهای کلان به دست آوردند (آشوری، ۱۳۹۱: ۳۰-۲٦؛ موزل و پاکتو، ۱۳۷۷: ۱۰۹-۱۰۸). رشد سرمایه‌داری و امپریالیسم و پیکار کشورهای سرمایه‌دار به دلیل صدور سرمایه، در ایران به شکل واگذاری امتیازات اقتصادی و سیاسی به کشورهای بیگانه، گرفتن وام از آن‌ها و گشوده شدن بانک‌های خارجی خودنمائی کرد. سرمایه‌های خارجی حتی به درون سیستم اقتصاد روستائی ایران هم نفوذ کردند و بنا به خواسته‌ی دولت‌های امپریالیست، ایران به زائده‌ای از منابع مواد خام آن کشورها تبدیل شد (گرانتفسکی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۵۹).

همچنان که ذکر شد نظام سرمایه‌داری و استعمار دارای رابطه‌ی معناداری بودند. ایران از ابتدای قرن بیستم میلادی تا پایان دوره‌ی قاجار (۱۹۲۵م) به الگوی استعمار کلاسیک نزدیک شد. الگوی استعماری ایران و قرار گرفتن آن در حاشیه‌ی نظام جهانی با بسیاری از کشورها که زیر سلطه‌ی مستقیم استعمار بودند و تنها به یک قدرت خارجی وابستگی داشتند، متفاوت بود. ایران صحنه‌ی رقابت دو قدرت بزرگ امپریالیستی بریتانیا و روسیه بود. ترکیب اقلام داد و ستد ایران نیز از نیمه‌ی قرن نوزدهم دگرگونی بارزی پیدا کرد و در آن وابستگی و قرار گرفتن در وضعیت اقتصاد جهانی آشکارا مشهود است. بررسی وضعیت پارچه و بافندگی گویای آن است. در سال ۱۸۵۷م/۱۲۳٦ش، ۲۷ درصد

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

صادرات ایران را پارچه‌های دست‌باف پنبه‌ای، پشمی و ابریشمی تشکیل می‌داد. اما در اوایل قرن بیستم این عدد به حدود ۱ درصد کاهش یافت و جای آن را از یک طرف صنایع سنتی مثلاً فرش، ۱۲ درصد در سال‌های ۱۹۱۳-۱۹۱۱م/ ۱۲۹۲-۱۲۹۰ش، و از طرف دیگر صدور مواد خام نظیر ابریشم، پشم و به خصوص پنبه (۲۶ درصد یا بیشتر در ۱۹۱۳-۱۹۱۱/۱۲۹۲-۱۲۹۰ش) گرفت. صادرات عمده‌ی ایران را مواد خام نظیر برنج، خشکبار، گردو و تریاک تشکیل می‌داد. حجم این اقلام که در سال ۱۸۵۷م/۱۲۳۶ش تنها ٤ درصد بود در سال‌های ۱۹۱۳-۱۹۱۱م/۱۲۹۲-۱۲۹۰ش به ۳۲ درصد رسید. در کشورهایی که در حاشیه‌ی نظام سرمایه‌داری قرار گرفتند عمدتاً اجناس نامرغوب تولید می‌شد (یعنی اجناسی که در ازای کار آن مزد خوبی پرداخت نمی‌شد)، اما در عین حال بخش جدایی‌ناپذیر نظام جهانی تقسیم کار بود زیرا کالایی که در این بخش تولید می‌شد در مصرف روزمره اهمیت زیادی داشت. بازکاوی روابط بازرگانی خارجی ایران در پایان سده‌ی نوزدهم، گواه افزایش وابستگی اقتصاد کشور به کشورهای رشد یافته‌ی سرمایه‌داری و تبدیل ایران به زائده‌ی کشاورزی و مواد خام آن‌ها است. افزایش وابستگی سیاسی به دولت‌های امپریالیستی و نیز گسترش فعالیت سرمایه‌ی بیگانه، به روسیه و انگلستان اجازه داد که صدور کالاهای خود را به ایران، بسیار افزایش دهند. از سال ۱۸۸۹-۱۸۸۸م تا سال ۱۹۱۳-۱۹۱٤م، صادرات به ایران بیش از ۷/۷ برابر و از جمله، پارچه‌های نخی بیش از ۳ برابر، قند و شکر بیش از ۱۵/۵ برابر و چای نزدیک به ۲۰ برابر افزایش یافت. بر این اساس ایران در اواخر دوره‌ی قاجار نقشی کاملاً وابسته و حاشیه‌ای در اقتصاد جهانی سرمایه‌داری داشت. عرضه‌کننده‌ی مواد خام کشاورزی چون ابریشم، تریاک، پنبه، خشکبار، میوه و مانند آن و اقلام تولیدی سنتی نظیر فرش بود. همچنین وارد کننده‌ی اقلام ساخته شده‌ی صنعتی به منظور مصرف از جمله پارچه، ظروف آشپزخانه و فرآورده‌های به دست آمده از کشاورزی از جمله شکر، قند و چای بود (فوران، ۱۳۸۵: ۲۲۲، ۱۸۳-۱۸۰؛ کولاگینا، ۱۳۵۹: ٤٥).

در این چارچوب صنایع ایران و به خصوص بخش بافندگی دچار زوال و انحطاط شدند. صنعتگران ایرانی کارها و مشاغل خود را از دست دادند و در صنایع مورد نظر دولت‌های سلطه‌گر مشغول به کار شدند. روسیه و انگلیس بر بازارهای شمالی و جنوبی تسلط پیدا کردند. در شمال ایران، تولید، صادرات و واردات تحت نظارت روسیه، و در جنوب با نظارت انگلستان بود. ایران تولیدکننده و صادرکننده‌ی مواد خام، اولیه و تجاری شد. محصولات اولیه و خام صادراتی ایران با تبدیل به کالاهای نخی و پشمی به کشور باز می‌گشت و از این رویه دولت‌های استعماری و کارفرمایان آنان سود می‌بردند. تمرکز تولید در ایران بر کالاهای تجاری و زودبازده قرار گرفت. از جمله‌ی مهم‌ترین این نوع کالاها تریاک و فرش بودند. "در ابتدای سده‌ی بیستم، تریاک در میان کالاهایی که از ایران به انگلستان می‌رفت، جای نخست را داشت. فرش هم از اقلام بزرگ واردات انگلستان بود که پیوسته رو به فزونی می‌رفت" (کولاگینا، ۱۳۵۹: ۵۱).

ویژگی فرش کرمان

فرش مهم‌ترین محصول جهانی و بازرگانی ایران در دوره‌ی قاجار بود. از این جهت جهانی بود که بیشترین شناخت اروپاییان از ایران مربوط به فرش‌های مرغوب و انواع آن بود. انواع فرش عبارت بودند از فرش‌های پنبه‌ای، پشمی، ابریشمی، پنبه و پشم، پشم و ابریشم. از نظر اهمیت و فراوانی، بیشترین فرش‌های تولیدی پشمی بودند و بیشترین حجم صادرات قالی هم از نوع پشمی بود. خریداران عمده و مشتری اصلی فرش‌های ایران، انگلستان و آمریکا بودند. مراکز عمده‌ی بافندگی فرش در سراسر دوره‌ی قاجار

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

مناطق سلطان‌آباد، خراسان، کردستان، آذربایجان، کاشان، کرمان و فارس بودند. در این مناطق در خود شهرها، روستاها و در میان ایلات و عشایر فرش‌بافی رونق داشت. در میان فرش‌های تولیدی این مناطق فرش کرمان با ویژگی‌هایی چون خوش بافتی، نرمی، دوام، نفاست، ظرافت و رنگ آمیزی فوق‌العاده اعلا و از سایر فرش‌ها متمایز بودند. فرش‌های کرمان به خصوص دو نوع ابریشمی و پشمی آن بهترین کالا در نوع خود در جهان بودند: «این صنعت به طور قطع از نفیس‌ترین صنایع ظریفه‌ایست که در دنیا به وجود آمده است، بدون اغراق یک پارچه قالی کرمانی هر قسم قالی دیگر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد» (سایکس، ٣٦: ٢٣٣؛ جمال‌زاده، ١٣٨٤: ٧٨-٧٧، ٢٠؛ کرزن، ١٣٧٣: ٦٢٤-٦٢٣).

بیشترین تولید فرش کرمان از نوع پشمی بود که در میان فرش‌های هم‌جنس مناطق دیگر قیمت بالاتری داشت. بنا بر گزارش کنسولگری انگلیس در کرمان قیمت فرش کرمان از سایر انواع فرش بیشتر بود. به همین دلیل در لندن مشتری زیادی نداشت (جمال‌زاده،١٣٨٤: ٢٠). در میان مراکز فرش‌بافی، فرش‌های سلطان‌آباد (اراک) در اندازه‌های بسیار بزرگ و با طرح‌های درشت و زمینه‌ی کاملاً تزیینی، بیشتر به منچستر صادر می‌شد. قسمت عمده‌ی آن‌ها در خود انگلستان، بقیه در سایر کشورهای منطقه به فروش می‌رسید و آمریکا سهم ناچیزی داشت. اما ظرافت فرش‌های سلطان‌آباد نسبت به فرش‌های شهرهایی چون تبریز و کرمان (که هر سه از مراکز عمده‌ی صنعت قالی‌بافی ایران بودند) کم‌تر و بهای این نوع فرش‌ها نیز ارزان‌تر بود (لعبت‌فرد و ثواقب، ١٣٩٥: ١٠٥).

گذار از شال‌بافی به فرش‌بافی در کرمان

تا اواخر قرن نوزدهم میلادی صنعت شال‌بافی مهم‌ترین صنعت خانگی و کارگاهی کرمان بود. ملکم در ابتدای دوره‌ی قاجار صنعت شال‌بافی را همراه با گلابتون دوزی و ابریشم دوزی، پررونق‌ترین صنایع ایران معرفی کرد (ملکم، ١٣٨٠: ٨٠٢). در همین برهه علی‌رغم همه‌ی خرابی‌هایی که در کرمان به بار آمده بود، وضع صنعت و تجارت کرمان خوب بود. از جمعیت تقریباً سی هزار نفری شهر کرمان یک سوم ساکنان شهر به صنایع شال‌بافی، تفنگ‌سازی و نمدبافی مشغول بودند. شال کرمان از نظر دقت و لطافت رقیب شال‌های کشمیری- با کیفیت‌ترین شال‌های دنیا- بود و تجارت شال سود کلانی را نصیب تاجران می‌نمود (پاتینجر، ١٣٤٨: ٢٥٨-٢٥٧) علی‌رغم این که فرش‌بافی نیز سابقه‌ی طولانی در کرمان داشت تا قبل از قرن بیستم میلادی در رده‌ی پایین‌تری از شال‌بافی قرار داشت و پشم و مواد اولیه‌ی کرمان بیشتر در تولید شال به کار می‌رفت. جمعیت شال‌بافان، دستگاه‌های شال‌بافی و فرش‌بافی این موضوع را تأیید می‌نماید. گزارش منابع نشان می‌دهد که شال‌بافی به مرور تبدیل به مهم‌ترین صنعت خانگی و کارگاهی در کرمان شد و پس از آن به مرور راه افول را طی کرد و جای خود را به فرش‌بافی داد.

بر اساس گزارش‌هایی از نیمه‌ی قرن نوزدهم میلادی اطلاعات زیادی از جمعیت شال‌بافان و دستگاه‌های شال‌بافی باقی مانده است. بر اساس این گزارش‌ها در نیمه‌ی قرن نوزدهم میلادی جمعیت کرمان ٢٥٠٠٠ نفر و بیش از ٢٢٠٠ کارگاه شال‌بافی در کرمان دایر بود. این تعداد دستگاه نشان دهنده‌ی رونق قابل توجه شال‌بافی بود (عیسوی، ١٣٦٢: ٤١٣). خانیکوف در سال‌های ١٨٦٠-١٨٥٨م صنعت عمده‌ی کرمان را شال‌بافی ذکر کرد و از کسادی آن نوشت:

«به رغم حمایت خاص شاه کنونی [ناصرالدین شاه] از این صنعت، روز به روز از اعتبار و رونق آن کاسته می‌شود. در حال حاضر از هزار و دویست کارگاهی که در گذشته در این شهر دایر بود، تنها دویست کارگاه موجود است. علت آن را باید در تولید فراوان و فروش

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

بسیار ارزان شال‌های اروپایی دانست که تقلیدی از همین شال‌ها هستند» (خانیکوف، ۱۳۷۵: ۲۱۱).

بعد از گزارش‌های فوق، وزیری کرمانی و تلگرافچی فرنگی هر دو رونق شال‌بافی را گزارش نمودند به گونه‌ای که پررونق‌ترین دوره‌ی شال‌بافی دهه‌ی آخر قرن سیزدهم هجری قمری بوده است (وزیری کرمانی، ۱۳۸۵: ۱۱۵؛ افشار، ۱۳۵۲: ۲۰۵) در جدول زیر که از داده‌های منابع مذکور استخراج شده است، نمای کلی رشد و افول شال‌بافی مشخص است[1]:

جدول ۱- دوره‌های رونق شال‌بافی در کرمان

مقطع زمانی	گزارش	کارگاه یا جمعیت شال‌بافان
۱۸۵۰-۱۸٤۹م	کیت ابوت	۲۲۰۰ کارگاه شال‌بافی
۱۸۵۸م/۱۲۷۵	خانیکوف	۲۰۰ کارگاه
۱۲۹۳-۱۲۹۱ق[2]/۱۸۷٦-۱۸۷٤م	احمدعلی‌خان وزیری کرمانی	۱۲۰۰۰ کارگاه، ۲٤۰۰۰ شال‌باف
۱۸۷۹م/۱۲۹۷ق	تلگرافچی فرنگی	۱۵۰۰۰ شال‌باف
۱۹۰۲م/۱۳۲۰ق	سرپرسی سایکس	۳۰۰۰ دستگاه[3]

(نگارنده: ۱۳۹۸)

همان طور که در جدول مشاهده می‌شود و نیز بر اساس گزارش سایکس فرش‌بافی در حال پیشی گرفتن از شال‌بافی در کرمان است:

«کرمان تا همین اواخر برای شال های اعلای خود اشتهار تامی داشت ولی امروز صنعت قالی‌بافی گوی سبقت را از صنعت مزبور ربوده است. هیچ متاعی با قالی کرمان که از پشم و ابریشم بافته می‌شود و از لحاظ نفاست و ظرافت و رنگ آمیزی فوق‌العاده اعلا و ممتاز است نمی‌تواند رقابت کند و این صنعت به طور قطع از نفیس‌ترین صنایع ظریفه‌ایست که در دنیا به وجود آمده است، بدون اغراق یک پارچه قالی کرمانی هر قسم قالی دیگر را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد...» (سایکس، ۱۳۳٦: ۲۳۳)

به نظر می‌رسد باید دهه‌ی آخر قرن نوزدهم برابر با دهه‌ی دوم قرن چهاردهم هجری قمری را نقطه‌ی گذار از شال‌بافی به فرش‌بافی در کرمان دانست. البته این به معنای تعطیلی شال‌بافی نیست بلکه شال‌بافی تنها در مرتبه‌ای پایین‌تر از فرش قرار گرفت. مهم‌ترین عامل رشد صنعت فرش و افول شال‌بافی را باید در سرمایه و تقاضای خارجی جستجو نمود که به دنبال آن فروش فرش‌های ایران در بازارهای جهانی سودهای سرشاری نصیب تاجران فرش نمود (کولاگینا، ۱۳۵۹: ۵۵). علاوه بر سرمایه‌گذاری و تقاضای خارجی انحطاط سایر صنایع در رشد فرش‌بافی مؤثر بودند. در طول سده‌ی نوزدهم میلادی صنایع و به خصوص صنایع بافندگی دچار انحطاط شدند، و جنبه‌ی محوری خود را از دست دادند. تنها صنعت فرش‌بافی و شال‌بافی در بعضی شهرها در حال رشد بود. فرش‌بافی نیروی بیکار سایر صنایع بافندگی را جذب و برای آنان شغل ایجاد نمود و دامنه‌ی نظام صنایع خانگی از روستاها

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۵
بهار و تابستان ۱۳۹۸

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

به شهرها کشیده شد. با آغاز قرن بیستم شرکت‌های اروپایی و آمریکایی بخش عمده‌ی بازار را در کنترل گرفتند. کارگاه‌های بزرگ ایجاد شد و تعداد زیادی کارگر زیر یک سقف جمع شدند. در نتیجه صادرات فرش افزایش چشمگیری یافت. سال ۱۹۰۲م/۱۳۲۰ق صادرات فرش ایران بالغ بر ٦,۳۰۰,۰۰۰ فرانک بود و در سال ۱۹۰۳م بالغ بر ۱۱,۲۰۰,۰۰۰ فرانک و در سال ۱۹۰٤م قریب ۱٤,۷۰۰,۰۰۰ فرانک و در سال ۱۹۰۵م متجاوز از ۱۸,۷۰۰,۰۰۰ فرانک بود. و در یک دوره‌ی ٤٤ ساله از ۱۸۷۰م با ۷۵۰۰۰ پوند، به یک میلیون پوند در سال ۱۹۱٤م/۱۳۳۲ق رسید (فوران، ۱۳۸۵: ۱۹۷–۱۹٦؛ پاولویچ، تریا و ایرانسکی، ۱۳۵۷: ۵۳). عیسوی در همین مورد نوشته است:

«در دهه‌ی ۱۸۷۰م/۱۲۸۷ق نفوذ رو به رشد فرش ایران در اروپا و ایالات متحده‌ی آمریکا به تقاضای آن در بازار بسیار افزود. سرمایه‌داران بریتانیایی، روسی و آلمانی در این صنعت سرمایه‌گذاری کردند و کارخانه‌ها و کارگاه‌های بزرگی که گاه صدها کارگر داشتند در ایران به کار افتادند. تجار ایرانی تبریزی و جاهای دیگر نیز کارگاه‌های بزرگی تأسیس کردند، اما در واقع حجم عظیم تولید مربوط به مراکز سنتی بود که سرمایه‌ی آن‌ها را نیز معمولاً کسبه و تجار تأمین می‌کردند. میزان تولید بسیار بالا رفت و صادرات چند برابر شد چنان که در ۱۹۱٤م/۱۳۳۳ق به حدود یک میلیون لیره یا تقریباً یک هشتم کل صادرات ایران رسید» (عیسوی، ۱۳۸۸: ٤۹۹–٤۹۸).

با رونق و ترقی صنعت فرش‌بافی سرمایه‌داران داخلی و خارجی که قبلاً در صنعت شال‌بافی کرمان فعالیت داشتند سرمایه‌ی خود را به این صنعت سوق دادند. این سرمایه‌داران طیف وسیعی از اعیان، خوانین، شاهزادگان، طبقات متوسط و پایین را در بر می‌گرفت. تقریباً بیشتر دستگاه‌های شال‌بافی مبدل به فرش‌بافی شد. به دنبال آن در جامعه‌ی کرمان ثروت و سرمایه تولید شد و تجارت منحصر به فرش شد (وزیری کرمانی، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

این نکته هم قابل ذکر است که شال‌بافی بیشتر کالایی داخلی و در نقطه‌ی مقابل فرش کالایی جهانی بود و مصرف خارجی بیشتری داشت. علاوه بر آن شال کرمانی در بازار جهانی زیر سایه شال کشمیری بود اما فرش ایرانی از هر کالای هم نوع خود در جهان برتر بود و خریداران بیشتری در سطح جهانی داشت: «مشهورترین و مهم‌ترین مصنوعات ایران قالی و قالیچه است و اغلب خانه‌داران طبقه‌ی اعلای خارجه و مخصوصاً در انگلستان و آمریکا وجود چند فرش ایران را در منازل خود لازم و ضروری می‌شمارند» (جمال‌زاده، ۱۱۳۸٤: ۷۷). حضور خارجی‌ها در کرمان و شناخت آنان از محیط و مواد اولیه‌ی تولید شال و فرش نیز در رونق صنعت فرش‌بافی مؤثر بود. سایکس پایه‌گذار کنسولگری انگلستان در کرمان به نقش خود در بازاریابی و ایجاد تقاضای فرش کرمان اشاره دارد و نقشی هم در بازگشت و احیای طرح‌های قدیمی فرش کرمان برای خود قائل شده است. به نظر می‌رسد با توجه به پست سیاسی مهمی که در اختیار داشت این ادعای او تا حدودی حقیقت داشته باشد. در دوره‌ی او ارزش پولی فرش‌های کرمان به طور تخمینی سالی دویست هزار تومان معادل چهل هزار پوند بود (سایکس، ۱۳۳٦: ۲۳٤–۲۳۳).

از دیگر عوامل رشد صنعت فرش در شهرهای خاص از جمله کرمان که این صنعت رشد فزاینده‌ای داشت، مجاورت این شهرها با مناطق ایلیاتی تولیدکننده‌ی پشم بود (لعبت‌فرد و ثواقب، ۱۳۹۵: ۱۱٦). در کرمان پشم به عنوان ماده‌ی اولیه و مرغوب این صنعت در خود شهر و نواحی اطراف به وفور یافت می‌شد. از این رو صنعت فرش نه تنها در شهر کرمان بلکه در نواحی اطراف کرمان از جمله در راور، هروز و سرآسیا فعال شده و در این مناطق کارگاه‌های فرش‌بافی زیادی نیز ایجاد شده بود (افضل‌الملک، ۱۳٦۱: ۱۸۸–۱۸٦).

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

شرکت‌های اروپایی فعال در صنعت فرش ایران

روند توسعه فرش‌بافی و تبدیل آن به مهم‌ترین صنعت بافندگی ایران از دهه‌ی ۱۸۷۰م آغاز شده بود. مهم‌ترین دلیل گسترش این صنعت نیاز اروپاییان در تجارت یک نوع کالای خاص با ایران و علاقه‌ی آنان نسبت به فرش‌های قدیمی و عتیقه بود. به همین دلایل در میان سال‌های ۱۸۷۲ و ۱۸۷٤م تقاضا برای فرش ایران صد در صد افزایش یافت. شرکت‌های اروپائی تولید فرش را از لحاظ کیفیت، نقشه، و اندازه بر طبق معیارهای معین سر و سامان و توسعه دادند. بیشتر بازرگانان ایرانی نیز از شرکت های اروپایی سرمشق گرفتند و همان کار را انجام دادند، و به خصوص تولید فرش را در نواحی روستایی زیر نظر گرفتند. در نتیجه، تولید فرش از صنعتی خانگی به کارگاهی تبدیل شد و از لحاظ بازده و استخدام متحول شد. تا سال ۱۹۱۰م/۱۳۲۸ق دست‌کم ٦٥/۰۰۰ نفر مستقیم در این صنعت اشتغال داشتند، در قیاس با حوالی سال ۱۸٦۰م که تنها هزار تن به این کار سرگرم بودند. فرش بر روی هم برای اقتصاد نیز اهمیت داشت؛ در سال ۱۸۵۰م فرش جزو ارقام صادراتی نبود اما تا سال ۱۹۱۰م/۱۳۲۸ق فرش ۱۲ درصد کل صادرات ایران را تشکیل می‌داد (فلور، ۱۳۷۱: ۱۰۱–۱۰۰).

به دنبال اقدامات اولیه در جهت شناساندن فرش ایران به اروپا از جمله شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی، نمایش در موزه‌های مشهور دنیا، اهدای فرش‌های ایرانی به دولت‌ها و نمایشگاه‌ها که موجب علاقمند شدن اروپاییان به فرش ایران شد، عوامل دیگری نیز در افزایش تقاضا و توسعه‌ی صنعت فرش مؤثر بودند. از این موارد می‌توان به تنوع طرح‌ها و بافت‌های فرش، دست‌باف بودن و مرغوبیت فرش اشاره کرد. یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در رشد صنعت فرش ایران نقش شرکت‌ها و نمایندگان خارجی بود. از سال ۱۲۹۵ق/۱۸۷۸م با تأسیس شرکت «زیگلر» در تبریز و اراک و فعالیت آن در تولید فرش‌های مطلوب بازار اروپا و امریکا و پس از آن بسیاری از شرکت‌های چندملیتی دیگر در مناطق بافت فرش، میزان تولید و صادرات فرش ایران به سرعت رو به افزایش نهاد. تولیدکنندگان با تشویق بافندگان به بافت نمونه‌های ارزان و مناسب تقاضای بازارهای خارجی، به ظاهر برای تشویق صادرات و در واقع برای فروش و سود هرچه بیشتر خود، رواج انواع تقلب در بافت و کاربرد وسیع رنگ‌های شیمیایی ارزان و بی‌ثبات را تسریع کردند (حشمتی‌رضوی، ۱۳۸۰: ۲۰).

علاوه بر شرکت زیگلر مؤسسات خارجی چون تولیدکنندگان فرش شرقی، شرکت کاستلی و برادران، مؤسسه‌ی فرش ایران در مراکز مختلف فرش‌بافی در ایران به رقابت مشغول بودند. سازمان صنعت روستایی زیگلر، مدلی برای این شرکت‌ها فراهم آورد اما نحوه‌ی کار آن‌ها بسیار متفاوت بود، علاوه بر سازمان دادن به تولید روستایی و کارگاهی از طریق عاملین محلی، آنان همچنین کارگاه‌های بافت فرش خود را دایر نمودند که اجازه‌ی نظارت کیفی بیشتری بر بافندگان از طریق سرپرستی مستقیم، به آنان داد (اتیک، ۱۳۸٤: ۱۰۱–۹۸). این شرکت‌ها در نواحی مهم فرش‌بافی ایران نمایندگی تجاری دایر کردند. در اوایل قرن بیستم میلادی ۵۰۰۰ کارگاه همراه با حدود ۱۰۰۰۰ نفر فرش‌باف در ۱۵۰ ده نزدیک سلطان‌آباد وجود داشت، ناحیه‌ی سنه [سنندج] در کردستان حدود ۵۰۰۰ کارگاه فرش‌بافی داشت. در جوار قائنات ۲۰۰۰ کارگاه همراه با ۱۲۰۰۰ نفر کارگر وجود داشت. در خصوص شهرهای خاص هم کرمان دارای ۱۰۰۰ کارگاه و مشهد دارای ۱۵۰ مغازه بود که هر کدام بیش از ۱۰۰ نفر کارگر داشتند و در تبریز در سال ۱۹۰۷م حدود ۱۰۰ مغازه همراه با ۱۲۰۰ کارگاه وجود داشت. نویسنده در پاورقی اشاره کرده است که در سال ۱۹۲۰م تعداد کارگاه در کرمان به ۵۰۰۰ دستگاه رسید (عیسوی، ۱۳٦۲: ٤٦۹–٤٦۸)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

جدول ۲- صادرات اصلی ایران بر اساس درصد در سه بازه‌ی زمانی متفاوت

تولید	۱۸۵۰م	دهه‌ی ۱۸۸۰م	۱۳-۱۹۱۱م
حریر و محصولات آن	۳۸	۱۸	۵
پارچه‌ی پشمی و کتانی	۲۳	۱	۱
پنبه ی خام	۱	۷	۱۹
فرش	ـــــ	٤	۱۲

(فلور، ۱۳۷۱: ۱۰۱)

در میان اتباع کشورهای اروپایی، آلمان ها در کنار سرمایه گذاری خود در صنایع ایران، به صورت ویژه در صنعت فرش هم فعال بودند و چند کارخانه‌ی فرش بافی ایجاد نمودند. بیشتر فرش‌هایی که از طریق روسیه حمل می‌شد از طرف شرکت‌های آلمانی سفارش داده شده بود که به اروپای غربی و ایالات متحده‌ی آمریکا صادر می‌شد. دولت روسیه نیز در تجارت فرش ایران هم سهمی داشت. بعد از ۱۹۰۵م/۱۳۲۳ق روسیه بیشتر محصول خراسان را می‌خرید. نزدیکی راه‌آهن ماوراء خزر حمل آن را آسان می‌کرد. مشهد مرکز بافت و همچنین مرکز جمع‌آوری فرش‌های آن ایالت بود و بانک روس برای آن پول قرض می‌داد. از طرف دولت روسیه سفارش‌هایی از امپراتور برای قالیچه داده شده بود که این سفارش‌ها موجب رونق گرفتن کار فرش و قالیچه بود. قالیچه‌هایی که برای امپراتور روس در اصفهان تهیه شد هر کدام هزار تومان قیمت داشت (فوران، ۱۳۸۵: ۱۹۹؛ انتنر، ۱۳۶۹: ۱۲۱؛ عین‌السلطنه، ۱۳۷٦: ۱٤٥۷).

در جداول زیر ارزش فرش‌های صادراتی گمرک آذربایجان، کرمانشاه و خلیج فارس بر اساس گزارش‌های کنسولی ارائه شده است. در مقایسه‌ی اعداد و ارقام این سه منطقه‌ی گمرکی مهم برای خروج فرش، حجم صادرات تبریز کاملاً قابل توجه و بیشتر از کرمانشاه و خلیج فارس بوده است:

جدول ۳- ارزش صادرات قالی از آذربایجان، ۱۸۷۰- ۱۹۰۷.م.

ردیف	سال میلادی	ارزش به تومان	ردیف	سال میلادی	ارزش به تومان	ردیف	سال میلادی	ارزش به تومان
۱	۱۸۷۰	۳۳۰۰۰	۸	۱۸۸۹	۱۹۱۳۱٦	۱٤	۱۹۰۰	۸۷٦۲۲۱
۲	۱۸۷۱	۷۱۷۰۰	۹	۱۸۹۳	۳۱۷۰۸٤	۱۵	۱۹۰۳	۱٤۲۹۵۳۸
۳	۱۸۷۲	۱۹۵۰۰۰	۱۰	۱۸۹۴	۳۸۵۰۰۰	۱٦	۱۹۰٤	۲۰٦۹٦۰۰
٤	۱۸۷۳	۱۹۷۲۲۲	۱۱	۱۸۹۵	۷۳۰۰۰۰	۱۷	۱۹۰۵	۲۱۳٦۳۰۵
۵	۱۸۷۷	۱۲۱۲۰۰	۱۲	۱۸۹٦	٦۵۰۰۰۰	۱۸	۱۹۰٦	۳۹۷۱۳۳۰
٦	۱۸۸۵	۱۵۵۲۹۸	۱۳	۱۸۹۹	٦۹۰۵۱۵	۱۹	۱۹۰۷	۲۱۰۵۵۱۰
۷	۱۸۸۷	۲۸۲۱۵٦						

(سیف، ۱۳۷۳: ۱۸٦)

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

جدول ۴- ارزش صادرات قالی از کرمانشاه، ۱۸۶۶- ۱۹۰۷م.

ردیف	سال میلادی	ارزش به تومان
۱	۷۰- ۱۸٦٦	۳٤۲۰۹
۲	۷۸- ۱۸۷٤	۸۰۷۲٦
۳	۰۳- ۱۹۰۰	۱٤۸٦٥۰
٤	۰۷- ۱۹۰٤	۱۸۰۲٥۹

(سیف، ۱۳۷۳: ۱۸۹)

جدول ۵- ارزش صادرات قالی از خلیج فارس، ۱۸۸۷- ۱۹۰۶م.

ردیف	سال میلادی	ارزش به تومان
۱	۸۹- ۱۸۸۷	۱۳۷۸۷۳
۲	۹۲- ۱۸۹۰	۹۷۷٤۲
۳	۹٥- ۱۸۹۳	٥۳۳٥۰٥
٤	۹۸- ۱۸۹٦	۲۲٦۳۹٥
٥	۱۹۰۱- ۱۸۹۹	۳۲۹۱۹۲
٦	۰٦- ۱۹۰۳	۳٦۹۲۰۰

(سیف، ۱۳۷۳: ۱۹۰)

آمریکاییان نیز در تجارت فرش ایران بسیار نقش داشتند و بخش مهمی از سفارش فرش و تجارت فرش ایران با آمریکا بود. بر اساس خاطرات کنسول‌یار بیرجند از شهر درخش (Durukhsh) در ۱۲ اکتبر ۱۹۰٦م/۱۳۲٤ق:

«از چند کارخانه‌ی فرش دیدن کردم. دروخش [درخش] شهری کوچک و آرام است اما بالغ بر ۱۵۰ نساجی دارد. در چند ماه گذشته از آنجایی که تقاضا از طرف آمریکا زیاد است قیمت فرش به طور چشمگیری افزایش یافته است. دو نفر از ترک‌های قسطنطنیه اینجا هستند که نه تنها همه‌ی فرش‌های موجود را خریده‌اند بلکه از قبل ۱۰ هزار تومان بابت بقیه‌ی فرش‌ها پرداخته‌اند. (The National Archive)

فعال‌ترین دولت در صنعت فرش ایران دولت انگلستان بود. شرکت‌های انگلیسی به خصوص در دهه‌ی آخر قرن سیزدهم در تجارت فرش ایران بسیار فعال بودند و سفارش و تجارت آنان نقش مهمی در رشد فرش‌بافی در ایران داشت. سه شرکت انگلیسی زیگلر، شرکت تولید قالی ایران و شرکت تولید قالی شرق فعالیت خود را در سلطان‌آباد متمرکز کردند و این منطقه تبدیل به توسعه یافته‌ترین منطقه‌ی فرش‌بافی ایران در اواخر قرن ۱۳ق./۱۸۷۰م شد. در نتیجه‌ی فعالیت این شرکت‌ها تعداد دارهای قالی در منطقه از ٤۰ واحد در دهه‌ی ۱۲۹۰ق/۱۸۷۰م به سه هزار واحد در دهه‌ی ۱۳۱۰ق/۱۸۹۰م افزایش یافت. صاحب شرکت «سیگلر و شرکاء»، یک سوئیسی بود که در سال ۱۸۷۰م به تابعیت انگلستان درآمده بود. این شرکت از نیمه‌ی قرن سیزدهم فعالیت خود را از صادارت ابریشم بر روی صادرات فرش و فرش‌بافی متمرکز نمود. مرکز اساسی آن، در تبریز و نمایندگی‌هایش در تهران، سلطان‌آباد، اصفهان، شیراز، بوشهر، یزد و کرمانشاه بودند. می‌توان گفت که همه‌ی بازرگانی فرش ایران در دست این شرکت بود. تولید فرش در یکی از کانون‌های فرش‌بافی ایران- سلطان‌آباد و حومه‌ی آن- به انحصار این شرکت درآمده بود. شرکت، با این شرط که فرش‌های بافته شده با نرخی که پیشتر معین شده بود (بدیهی است پائین‌ترین نرخ) به نمایندگان آن داده شود، پشم در اختیار فرش‌بافان ایران می‌گذاشت. شرکت زیگلر برای مرکز شرکت، قلعه‌ی وسیعی در جنوب شهر بر پا کرده بود و توانست تا سال ۱۳۱۸ق/۱۹۰۰م نظارت ۲۵۰۰ دار قالی را به دست بگیرد. این شرکت برای پیشرفت بیشتر فرش‌بافی در این منطقه، کارخانه‌های فرش‌بافی خود را باز کرد و فرش‌هایی با نقش و نگار و اندازه‌های اروپایی‌پسند، سفارش داد. همچنین نقشه، طرح و رنگ فرش را در محل شرکت مشخص می‌نمودند و به زنان سفارش می‌دادند تا در خانه‌ها

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

ببافند. شرکت دیگری که به دنبال زیگلر در سلطان‌آباد نمایندگی تأسیس نمود، شرکت هاتس و پسر بود که در دهه‌ی ۱۳۰۰ق/۱۸۸۰م شرکتی به نام شرکت تولید قالی ایران (the Persian carpet manufafactring co) تشکیل داد و با همان سبک و روش کمپانی زیگلر به کار نظارت در تولید، جمع‌آوری و صدور فرش پرداخت. فعالیت این شرکت در اساس، در جنوب ایران بود و شعبات بسیاری در بوشهر، شیراز، اصفهان، یزد و سلطان‌آباد داشت و می‌توان گفت که نمایندگان آن در همه‌ی شهرهای ایران مستقر بودند. این شرکت، در اساس، به آوردن پارچه‌های نخی انگلستان و بردن فرش و تریاک ایران اشتغال داشت و همچنین در تهران دارای مغازه‌هایی بود که در آن جا فعالانه به خرده فروشی کالا می‌پرداخت. سومین شرکت انگلیسی که به کار تجارت فرش پرداخت، شرکت تولید قالی شرق بود که در سال ۱۳۲٤ق/۱۹۰٦م در لندن از ادغام شش کمپانی که در کار تجارت فرش ترکیه بودند تشکیل شد و به صورت بزرگترین شرکت درآمد (اشرف، ۱۳۵۹: ۵۵؛ کولاگینا، ۱۳۵۹: ۵۲-۵۱)

● شرکت‌های اروپایی فعال در صنعت فرش کرمان

مهم‌ترین مراکز فرش‌بافی ایران در دوران قاجار شهرهای کرمان، اراک، همدان، تبریز و مشهد بودند اما در اواخر این دوره پراکندگی مراکز فرش‌بافی به بیست و سه مرکز رسید (ژوله، ۱۳۸۱: ۱۹؛ لعبت‌فرد و ثواقب، ۱۳۹۵: ۱۱۱-۱۱۰). در ابتدای قرن بیستم میلادی بیشترین صادرات فرش از طریق تبریز به عثمانی و روسیه و قیمت فرش هم رو به افزایش بود اما به تدریج فرش کرمان جای خود را در لندن باز نمود. سایکس کنسول انگلیس در کرمان در سال ۱۹۰۲م/۱۳۲۰ق نوشته بود که:

«به عقیده‌ی من اگر فرش‌های کرمان شناخته شود، تحسین همه را بر می‌انگیزد ولی مصرف همگانی نداشته و از کالاهای لوکس به حساب می‌آید. لازم به ذکر است که در ملبورن و ژوهانسبورگ در مورد قیمت‌ها تحقیقاتی صورت گرفته است. نتیجه آن که این کالا در سال ۱۹۰۲م به قیمت ۱۲۰،۰۰۰ لیره به فروش می‌رسیده است. بسیار مایلم بین یک تاجر فرش بریتانیا و بافندگان این کالا واسطه‌ی ارتباط شوم. بهترین کار این است که تحقیق کنیم و ببینیم از میان فرش‌های پشمی و ابریشمی کدام یک خواهان بیشتری دارد و بعد در این زمینه سرمایه‌گذاری نماییم. می‌توان با پرداخت پول واردکنندگان را واداشت تا از طریق بندرعباس این تجارت را انجام دهند» (کمالی، ۱۳۹۰الف. اسنادپارلمانی انگلستان: ۳۳۵).

یکی از دلایل تمرکز شرکت‌های فرش‌بافی در مناطق ویژه‌ی فرش‌بافی از جمله در کرمان، این بود که در مناطق دیگر شرکت‌های خارجی بعضاً دچار مشکل شدند و نمی‌توانستند تناسبی بین هزینه‌ها و درآمد ایجاد نمایند. همه‌ی فرش‌های تولیدی ایران هم با قیمت بالا به فروش نمی‌رفت تا بتواند هزینه‌ها را جبران نماید. به عنوان نمونه و بر اساس اسناد پارلمانی انگلستان از اصفهان در سال ۱۹۰٤م/۱۳۲۲ق شرکت فرش دست‌باف ایران در سلطان‌آباد و همان شرکت انگلیسی که تجارت فرش شرکت هوتز و پسران را ضمانت کرده بود، ورشکست شدند. ورشکستگی یک شرکت اروپایی در جامعه‌ی ایران پیامدهای منفی برای اروپاییان به دنبال داشت و جامعه‌ی ایران را نیز به هیجان در می‌آورد (کمالی، اسناد پارلمانی انگلستان اصفهان، ۱۳۹۰ج: ۲٤۹). احتمالاً به همین دلایل شرکت‌های بزرگ فرش بافی بر شهرهای خاص از جمله کرمان متمرکز شدند. در میان شرکت‌های خارجی شرایط برای کار شرکت‌های انگلیسی در کرمان بیش از دیگر شرکت‌های اروپایی فراهم بود. شرکت‌های انگلیسی در کرمان آزادی عمل بیشتری داشتند زیرا کرمان در حوزه‌ی نفوذ آنان واقع بود و از طرف دیگر کرمان از گذشته‌های دور یک مرکز بافندگی بود. مهم‌ترین

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

صنایع انگلستان نیز صنایع بافندگی بودند و صنعتی شدن انگلستان نیز از بافندگی آغاز شده بود. ضمن این که انگلیسی‌ها بزرگترین کنسولگری جنوب شرق ایران را در کرمان دایر کرده بودند و این کنسولگری از نظر اداری و تجاری به انگلستان و وابستگان آن دولت کمک شایانی می‌نمود.

بر اساس اسناد کنسولی انگلستان اکثریت جمعیت کرمان به فرش‌بافی مشغول بودند. صادرات کرمان عمدتاً فرش بود و این تجارت به طور انحصاری در اختیار نمایندگی‌های تجارت‌خانه‌های اروپایی، آمریکایی و نیز ترک‌های تبریز بود. بعد از ورود و گسترش کار شرکت‌های اروپایی در کرمان اداره‌ی تجارت از دست ترک‌ها خارج شد. نمایندگی‌های داخلی شرکت‌های فرش در مراکز بافت فرش از جمله راور، جوپار و رفسنجان مشغول به کار بودند (کمالی، ۱۳۹۲ب، ۱۱۱-۱۱۰). در جدول زیر مهم‌ترین شرکت‌های فعال بازرگانی خارجی در کرمان ذکر شده است. در میان این شرکت‌ها به جز بانک شاهنشاهی که شیوه‌ی کار آن فراگیر بود، همگی در زمینه‌ی فرش‌بافی، تولید و صادرات فرش فعالیت می‌کردند:

جدول ۶- مراکز فعال بازرگانی در کرمان در سال ۱۹۱۴-۱۹۱۳م

شرکت	تعداد کارمند	ملیت
بانک شاهنشاهی	۲	بریتانیایی
شرکت فرش بریتانیا	٤	سوئیسی
شرکت‌های هندی- انگلیسی	۹	هندی – انگلیسی
شرکت ایتالیائی	۱	ایرانی
شرکت آلمانی	۱	سوئیسی

(Diplomatic & Consular Reports, 1913-1914: 6)

بر اساس اسناد وزارت خارجه شرکت کاستلی ایتالیایی در کار خرید و فروش فرش، کارگاه فرش‌بافی و تجارت‌خانه بسیار فعال بود و با حکومت همکاری می‌کرد. بیشترین خطری که در کار تجارت فرش وجود داشت مسئله‌ی تأمین امنیت در مسیرهای تجاری بود، زیرا سارقین فرش‌ها را به سرقت می‌بردند. مهم‌ترین مسیرهای تجارت فرش بر اساس این اسناد از طریق راه کرمان به بندرعباس و نیز مسیر کرمان به طرف یزد بود. سرقت فرش‌ها مبالغ کلانی را به تجارت‌خانه‌ها خسارت وارد می‌آورد. با این حال سود فرش‌های کرمانی به اندازه‌ای بود که تاجران و تجارت‌خانه‌ها کماکان به فعالیت خود ادامه می‌دادند. حکومت محلی کرمان در مواقعی به تجارت‌خانه‌ها تضمین امنیت می‌داد. این کار حکومت، هم برای درآمدی بود که از فرش نصیب حکومت می‌شد و هم به دلیل افراد زیادی بودند که در این صنعت مشغول کار بودند و با تعطیلی کارگاه‌ها بیکار می‌شدند و مشکلات اجتماعی زیادی به وجود می‌آوردند. دامنه فعالیت شرکت کاستلی به بلوکات کرمان از جمله راور نیز گسترش یافته بود. مهم‌ترین مسیر تجاری شرکت مزبور نیز مسیر بندرعباس بود (اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ٥٤، پوشه ۲۵، سند ۱، ۱۳۲۹ق؛ اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ٥٤، پوشه ۲۵، سند ۲، ۱۳۲۹ق؛ اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ٥٤، پوشه ۳، سند ۲، ۱۳۳۰ق؛ اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ٥٤، پوشه ۳، سند ۲۸، ۱۳۳۰ق).

جایگاه فرش در صادرات کرمان ۱۹۱٤-۱۹۰٦م/ ۱۳۳۲-۱۳۲٤ق

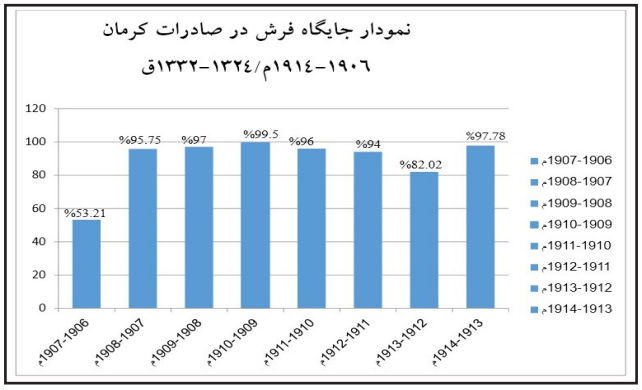
بر اساس گزارش سالانه‌ی کنسولگری انگلستان در کرمان، فرش کرمان از سال ۱۹۰۷-۱۹۰٦م/۱۳۲۵-۱۳۲٤ق بخش مهم صادرات کرمان به هند و بریتانیا بود. در این سال فرش کرمان ۵۳/۲۱ درصد از ۳۷۵/۸۰۰ روپیه کل رقم صادرات کرمان را به خود اختصاص

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

داده بود (diplomatic & consular reports, 1907: 7-8). در سال ۱۹۰۸-۱۹۰۷م/۱۳۲۶-۱۳۲۵ق در میان ۱۲ قلم کالای صادراتی کرمان به هند و بریتانیا فرش کرمان ۹۵/۷۵ درصد از ۵۵،۳۴۹ لیره صادرات کرمان به هند و بریتانیا را به خود اختصاص داد. در سال تجاری ۱۹۰۹-۱۹۰۸م/۱۳۲۷-۱۳۲۶ق یکی از با رونق‌ترین سال‌های تجاری کرمان با هند و بریتانیا بود. هم میزان صادرات کرمان به هند و بریتانیا افزایش یافت و هم میزان واردات از هند و بریتانیا کاهش چشمگیری داشت. تراز تجاری کرمان برای اولین بار مثبت شد و به مثبت ۴۰ رسید. مهم‌ترین کالای صادراتی کرمان هم فرش بود که در میان یازده رقم کالای صادراتی ۹۷ درصد از ۹۲،۸۱۲ لیره کالاهای صادراتی را به خود اختصاص داد. در سال ۱۹۱۰-۱۹۰۹م/۱۳۲۸-۱۳۲۷ق، ۱۷۰،۰۰۰ لیره از ۱۷۰/۹۰۵ لیره کل صادرات کرمان متعلق به فرش بود که ۹۹/۵ درصد کل صادرات کرمان و بالاترین میزان آن در تجارت کرمان بود که حاکی از جایگاه ممتاز فرش در کرمان است. در سال ۱۹۱۱-۱۹۱۰م/۱۳۲۹-۱۳۲۸ق، صادرات کرمان به هند و بریتانیا کاهش داشت که حاکی از کاهش صادرات فرش بود که به میزان ۱۷/۷ درصد نسبت به سال قبل از آن کاهش داشت. با این همه فرش با بیش از ۱۴۰،۰۰۰ لیره از ۱۴۵،۸۱۰ لیره رقم کل صادرات، ۹۶ درصد صادرات کرمان را به خود اختصاص داد (کمالی، ۱۳۹۱: ۳۶۰-۳۵۸، ۳۷۵).

در سال ۱۹۱۲-۱۹۱۱/۱۳۳۰-۱۳۲۹ق، فرش با ۱۴۰،۰۰۰ لیره، بیش از ۹۴ درصد صادرات را از ۱۴۸،۷۳۰ لیره به خود اختصاص داده بود. با این تفاوت که فرش به همراه شال و گوسفند ذکر شده بود. از آن جا که در سنوات قبلی فرش به تنهایی ذکر شده بود و نیز شال و گوسفند رقم بالایی در تجارت را به خود اختصاص نمی‌دادند، این میزان از رقم صادرات به فرش اختصاص دارد. از گزارش سال ۱۹۱۳-۱۹۱۲م/۱۳۳۱-۱۳۳۰ق، عنوان واردات از هند و بریتانیا که در گزارش‌های قبلی به کار برده شده بود تغییر یافته و به جای آن واردات به کرمان از طریق بندرعباس نوشته شده بود زیرا میزان زیادی از واردات تولید هند و بریتانیا نبود و از سایر مناطق اروپا بود. در این سال فرش، گوسفند و شال ۱۳۷،۰۰۰ لیره از ۱۶۶،۹۰۰ لیره صادرات کرمان از طریق بندرعباس را تشکیل می‌داد که ۸۲/۰۸ درصد از میزان کل بود (کمالی، ۱۳۹۲الف: ۱۷۱-۱۶۶).

(Diplomatic & Consular Reports, 1913-1914: 11). در سال ۱۹۱۴-۱۹۱۳م/۱۳۳۲-۱۳۳۱ق، صادرات فرش و شال کرمان به اروپا و امریکا از طریق بندرعباس



(Diplomatic & Consular Reports, 1913-1914: 16).

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

۸،۵۸۲،٦۸۰ قران از ۸،۷۷۷،۰۲۵ قران را تشکیل داد که ۹۷/۷۸ درصد صادرات کرمان بود (کمالی، ۱۳۹۲ب: ۱۲٤-۱۲۰).

کارگران و کارفرمایان فرش‌بافی

فرش در ابتدای قرن بیستم یک هشتم کل تجارت خارجی ایران و عمده‌ترین قلم صادراتی کشور را تشکیل می‌داد (البته اندکی بعد نفت به جای فرش در مقام اول قرار گرفت). بنا به یک برآورد، در سال ۱۹۱۰م/۱۳۲۸ق از میان ۱٤٥ هزار کارگر، ۱۲۰ هزار یا ۸۳ درصد، در بخش صنایع سنتی کار می‌کردند. صنعت فرش نیمی از کل کارگران را جذب کرده بود و تعداد ٦٥ هزار کارگر در صنایع فرش کار می‌کردند. هیچ یک از تولیدات صنعتی یا پیشه‌وری از این لحاظ به پای صنعت فرش‌بافی نمی‌رسید. از ٦٥۰۰۰ کارگر فرش‌باف، تنها معدودی در کارگاه‌های جدید فرش‌بافی کار می‌کردند و جزو طبقه کارگر شهری بودند. ساعات کار زیاد، مزد اندک و ناسالم بودن محیط کارگاه از ویژگی‌های ناگوار صنعت فرش بود. بافندگان در سه رده‌ی مردان، زنان و کودکان دسته‌بندی می‌شدند. کارگران بافنده‌ی مرد، روزانه بین ۱/٥ تا ۳ قران، کارگران بافنده‌ی زن نیم تا یک قران و کودکان روزانه نیم قران دریافت می‌کردند (فوران، ۱۳۸٥: ۱۹۹-۱۹۸، ۲۰۱). از یکی دیگر از سختی‌های کار در صنعت فرش‌بافی این بود که فرش‌های ایران تمام با دست بافته می‌شد. دیگر این که بافت فرش‌های خوب یک تا دو سال وقت لازم داشت تا بافته شود در صورتی که سه چهار نفر هر روزه کار می‌کردند (جمال‌زاده، ۱۳۸٤: ۷۸). در اولین دهه‌ی قرن بیستم کرمان دارای ۱۰۰۰ کارگاه فرش‌بافی و مشهد دارای ۱٥۰ مغازه بود که هر کدام بیش از ۱۰۰ نفر کارگر داشتند. در تبریز در سال ۱۹۰۷م/۱۳۲٥ق حدود ۱۰۰ مغازه همراه با ۱۲۰۰ کارگاه وجود داشت. نویسنده در پاورقی اشاره کرده است که در سال ۱۹۲۰م/۱۳۳۹ق تعداد کارگاه‌های شال‌بافی در کرمان به ٥۰۰۰ دستگاه رسید (عیسوی، ۱۳٦۲: ٤٦۹-٤٦۸).

در صنعت فرش کرمان دو گروه متمایز از هم قرار داشتند. اولین گروه کارفرمایان و نمایندگان آنان بودند که سرمایه خود را وارد این صنعت کرده بودند، از شرایط مناسب اقلیمی و وجود منابع طبیعی بهره‌برداری می‌کردند و تنها به کسب سود و درآمد می‌اندیشیدند. در کرمان در دهه‌ی آخر قرن نوزدهم تولید و تجارت در انحصار خاندان‌های حاکم بود که نمونه‌ی آن حاکمی چون وکیل‌الملک دوم ۱۲۹٥-۱۲۸٥ق/ ۱۸۷۸-۱۸٦۸م بود. اوکارگاه‌های بزرگ شال‌بافی در کرمان دایر کرده بود که در هر کارگاه تا هجده دستگاه بافندگی وجود داشت. پشت هر دستگاه دو تا سه نفر مشغول بافندگی بودند. نه تنها کارگاه بافندگی بلکه نبض اقتصاد کارگاهی کرمان در این برهه در اختیار وکیل‌الملکی‌ها بود. آن‌ها تولیدکننده‌ی اصلی، عمده‌ترین تاجر، چهارپادار و انباردار ایالت بودند؛ ضرابخانه، کارگاه‌های کلاه و فرش نمدی، فروشگاه‌های بزرگ شال و فرش، در اختیار آن‌ها بود (Floyer, 1882: 322-327). فرش‌بافی کرمان از دوره‌ی عبدالحسین میرزا فرمانفرما (۱۳۱۲-۱۳۰۹ق) ترقی کرد. بزرگترین سرمایه‌گذران و کارخانه‌داران و تجار هم حکام و شاهزادگان بودند (احمدی کرمانی، ۱۳۸٦: ۲۲٦) و البته در روستاها که بخش عمده‌ای از بافندگی و فرش‌بافی در آنجا انجام می‌شد اربابان و زمینداران بزرگ این فعالیت سودآور را انجام می‌دادند (عیسوی، ۱۳٦۲: ٦۳-٦۲). علاءالملک دیگر حاکم کرمان ۱۳۲۰-۱۳۱۹ق/۱۹۰۲-۱۹۰۱م نیز در دوره‌ی حکمرانی خود با همکاری نزدیکانش به طور گسترده در کار تولید فرش فعالیت داشت و کارگاه‌های فرش‌بافی زیادی را در جنب ارگ حکومتی دایر کرده بودند که صدها کارگر در این کارگاه‌ها مشغول کار بودند (Landor, 1903: 1/436- 437). بهجت‌الملک از دیگر حکام کرمان بود که نه تنها در صنعت بلکه در خرید و فروش تمام محصولات و مایحتاج کرمان

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

دست داشت، احتکار می‌کرد و اجناس را تا سه برابر قیمت به فروش می‌رساند (عیسوی، ۱۳٦۲: ٦۳). به نظر می‌رسد این گروه به همراه شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی، بیشتر مدیریت و سازمان‌دهی تولید و تجارت فرش را در دست داشتند.

گروه دیگر در صنعت فرش، بافندگان فرش بودند که کار اصلی و تولیدی فرش با آنان بود. ناگوارترین چهره‌ی فرش‌باشی نه تنها در کرمان بلکه در همه‌ی ایران شرایط بافندگان فرش بود. موقعیت سنی، جنسی و کاری بافندگان چهره‌ی ناگواری از فرش‌بافی به نمایش گذاشته بود. در کارگاه‌های فرش‌بافی مخصوصاً اطفال فقرا یا اطفال یهودیان را به کار می‌گرفتند. این اطفال از سن شش سالگی تا مدت ده سال در مقابل دریافت مزد ده ساله، به صاحب کارخانه تسلیم می‌شدند. در شهر کرمان در حدود یک هزار دستگاه فرش‌بافی دایر بود که روی هر دستگاه یک استاد و دو الی سه طفل کارگر از روی نقشه‌ای که برای آن‌ها خوانده می‌شد کار می‌کردند. پشت بعضی دستگاه‌ها زن و دختر نیز دیده می‌شدند. این در حالی بود که برای این کودکان و دختران هیچ امکانات بهداشتی فراهم نشده بود. در ایران عموماً در هیچ رشته از صنعت، مراعات اصول بهاشتی نمی‌شد. کار در این شرایط غالباً باعث مرگ کارگر می‌شد. مزد آنان در حدود چهار شاهی و غذا نیز به عهده‌ی خودشان بود. این به این معنی بود که نیروی انسانی ارزان‌قیمتی متشکل از کودکان و خردسالان و نه بزرگسالان و مردان، نیروی انسانی تولید فرش را تشکیل می‌دادند. ساعات کار تمام طول روز را در بر می‌گرفت و بین ۱۰ تا ۱٦ ساعت در نوسان بود. شرایط کار در ایران شبیه موقعی بود که در اروپا هنوز از ایجاد قوانین کار خبری نبود. فرش‌بافان کرمان در شرایط بسیار نامطلوبی در زیرزمین کار می‌کردند. این زیرزمین‌ها شبیه تاریک‌خانه بود زیرا برای حفظ کیفیت فرش از نور خورشید اجتناب می‌کردند. برای تأمین رطوبت همیشه ظرف آبی در کنار بافندگان قرار داشت (پاولویچ، تریا و ایرانسکی، ۱۳۵۷: ۵۳؛ سایکس، ۱۳۳٦: ۲۳۳؛ کرزن، ۱۳۷۳، ج۲: ٦۲٤؛ اتحادیه و پروان، ۱۳۸۹: ٤) برای بافندگانی که در خانه کار می‌کردند ماده‌ی اولیه فرش‌بافی را به خانه بافندگان حمل و زنان و بچه‌ها کار بافندگی را شروع می‌کردند. تولیدکننده طرح و مقدار پشم را در رنگ‌های مختلف که برای یک فرش احتیاج بود برای بافندگان تهیه می‌کرد، هم چنین مبالغی بر اساس ارزش تعیین شده مساعده می‌داد و بقیه در موقع تحویل فرش تمام شده پرداخت می‌شد (عیسوی، ۱۳٦۲: ٤٦۹).

هنری ساویج لندور در ابتدای قرن بیستم از کارگاه‌های فرش‌بافی کرمان همچون دخمه‌ها یاد کرده است که فرش‌های هنری زیبا را در آن جا فرش‌بافان ماهر و کهنه‌کار تولید نمی‌کنند بلکه کار دست کودکان شش تا ده ساله است. کارگاه‌های فرش‌بافی اتاق‌هایی تاریک، با هوایی راکد و بدون تهویه بودند. بافندگان روی نیمکتی بلندتر از روی زمین می‌نشستند و نقش را می‌بافتند. بافت یک فرش گاه چند سال به طول می‌انجامید. کودکان با سختی روی دارهای قالی کار می‌کردند. اغلب دوازده تا چهارده ساعت کار می‌کردند. نقش‌ها را به خاطر می‌سپردند تا گرهی به اشتباه زده نشود. کودکان فرش‌باف خانه‌ای که من بازدید کردم چشمانی سرخ و متورم داشتند. همه چشمشان را می‌خاراندند. در آن تاریکی فشار روحی زیادی روی این کودکان بود .(Landor, 1903: 1/ 313-315)

بررسی اسناد پارلمانی انگلستان در کرمان و نیز اسناد کارگزاری وزارت امور خارجه در کرمان نشان می‌دهد فرش‌بافان غیر از شرایط سختی کار، مشکلاتی چون امنیت محیط کار، تهیه‌ی مایحتاج غذایی داشتند و بیکاری نیز آنان را تهدید می‌نمود. شرکت‌های بزرگ فرش‌بافی خارجی از جمله شرکت کاستلی که موجب رونق در صنعت فرش کرمان شده بودند هرگاه در حمل و نقل فرش‌ها به بندرعباس و یا نقاط دیگر به مشکل بر می‌خوردند از پرداخت مزد کارگران ابا

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

می‌نمودند تا به این ترتیب به حکومت محلی فشار بیاورند که امنیت راه‌ها را تأمین نماید. اما این رویه موجب توقف کار فرش‌بافان و بیکاری آن‌ها می‌شد. از آن جا که فرش‌بافان جمعیت زیادی در کرمان بودند این موضوع مشکلات عدیده اجتماعی و سیاسی برای فرش‌بافان، حکومت و دولت‌های خارجی به وجود می‌آورد. تورم و بالا رفتن قیمت اجناس از جمله نان و گوشت تهدیدی علیه فرش‌بافان بود زیرا تناسب چندانی بین قیمت مواد غذایی و درآمد آنان وجود نداشت و فرش‌بافان عموماً فقیر بودند (کتاب آبی، ۱۳۶۲: ۱۲۱۱؛ اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۳۰، پوشه ٤١، سند ۳، ۱۳۳۰ق)

نتیجه‌گیری

در دوره‌ی قاجار دو صنعت شال‌بافی و فرش‌بافی مهم‌ترین صنایع دستی و کارگاهی کرمان بودند. شال‌بافی در سراسر قرن سیزدهم قمری مهم‌ترین صنعت بود اما در قرن چهاردهم هجری قمری جای خود را به فرش‌بافی داد. در هر دو صنعت مواد اولیه‌ی بافندگی یعنی پشم مرغوب به کار می‌رفت که کرمان بهترین نوع پشم ایران را دارا بود. بررسی فرش‌بافی کرمان در دوره‌ی قاجار نشان داد که عوامل خارجی به خصوص تقاضا و سرمایه‌گذاری خارجی از سوی شرکت‌های اروپایی و آمریکایی نقش مهمی در رشد صنعت فرش‌بافی ایران و کرمان داشت. رویکرد اروپاییان از تجارت مواد خام و اولیه به مرحله‌ی صدور سرمایه رسیده بود. با صدور سرمایه دولت‌ها و شرکت‌های خارجی در هزینه‌های حمل و نقل صرفه‌جویی می‌کردند و نیروی کار ارزان قیمتی را به کار می‌گرفتند. با این شیوه از پیامدهای منفی اجتماعی و فرهنگی سرمایه‌داری نظیر جنبش‌های کارگری و منظره‌ی کارگران فقیر در حاشیه شهرها در امان می‌ماندند. نقش این عوامل در چارچوب نظام اقتصاد بین‌المللی قابل درک است. از دهه‌ی هفتاد قرن نوزدهم میلادی نوعی تقسیم کار بین‌المللی صورت گرفت و نظام مرکز و پیرامون صورت عملی پیدا کرد. در مرکز اقتصاد بین‌المللی دولت‌های سرمایه‌دار اروپایی و آمریکا بودند که نبض اقتصاد را در زمینه‌ی تولید، صادرات و حمل و نقل عهده‌دار بودند. در این تقسیم کار، ایران در حاشیه‌ی بازار جهانی سرمایه‌داری قرار گرفت و به تدریج جذب آن شد و در آن ادغام شد. کشورهایی که در حاشیه‌ی نظام بازار جهانی قرار می‌گرفتند در زمینه‌ی اقتصادی قادر به تولید مهمی نبودند و تنها می‌توانستند یک یا به ندرت دو نیاز و تقاضای جهانی را برآورده سازند. در این چارچوب ایران نقشی را به عهده گرفت که برای آن مناسب بود. در زمینه‌ی کشاورزی بیشترین زمین‌های قابل کشت، زیر کشت تریاک رفت و در زمینه‌ی صنایع تمام تمرکز خارجی و داخلی بر فرش‌بافی قرار گرفت. بنابراین توسعه‌ی صنعت فرش موجب عدم توجه به سایر صنایع و انحطاط آن‌ها شد. سرمایه‌داران خارجی با انتقال سرمایه‌ی خود به ایران و کرمان در هزینه‌های حمل و نقل صرفه‌جویی می‌کردند و با کارگر ارزان، فرش‌ها را تولید و در بازارهای بین‌المللی به فروش می‌رساندند و سود سرشاری عاید آنان می‌شد. فرش‌بافی حاکی از رشد روزافزون این صنعت بود اما دستگاه‌ها و روش تولید متحول نشد و با همان روش سنتی به تولید می‌پرداختند. در این چارچوب فرش‌بافی کرمان در جایگاه نخست صادرات قرار گرفت و می‌توان گفت که همه‌ی تجارت کرمان در اواخر دوره‌ی قاجار به فرش اختصاص داشت. فرش در سال ۱۹۰۷-۱۹۰٦م/۱۳۲۵-۱۳۲٤ق، ۵۳/۲۱ درصد کل رقم صادرات کرمان را به خود اختصاص داد. در سنوات بعدی تا جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱٤م به ترتیب ۹۵/۷۵ درصد، ۹۷ درصد، ۹۹/۵ درصد، ۹٦ درصد، ۹٤ درصد، ۸۲/۰۸ درصد و ۹۷/۷۸ درصد از صادرات کرمان به هند و اروپا را به خود اختصاص داد و در صدر کالاهای تولیدی و صادراتی کرمان بود.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

پی‌نوشت‌ها

۱- این جدول بر اساس داده‌های منابع از سوی نگارنده تنظیم شده است. برای اطلاعات بیشتر پیرامون شال‌بافی کرمان در دوره‌ی قاجار بنگرید به: (بیگدلی و صحت‌منش، ۱۳۹٤: ۱۸-۱)

۲- باستانی پاریزی در مقاله‌ی جغرافیای مملکت کرمان تألیف: احمدعلی‌خان وزیری، سال تألیف این اثر را بین سال‌های ۱۲۹۱ تا ۱۲۹۳ق نوشته است (باستانی پاریزی، ۱۳٤۵: ۱۲).

۳- سال تألیف این اثر ۱۹۰۲م است. سایکس از سال ۱۸۹۳ تا ۱۹۰۲م در چند مرحله از کرمان دیدن نمود و پایه‌گذار کنسولگری انگلستان (۱۸۹٤م) در کرمان بود و سالیان زیادی در کرمان اقامت داشت (بنگرید به مقدمه‌ی سفرنامه‌ی سایکس: ۱۳۳٦: ۱۰-۹).

فهرست منابع

- آشوری، داریوش. (۱۳۹۱). *دانشنامه‌ی سیاسی* (چاپ بیست و یکم). تهران: مروارید.
- اتحادیه، منصوره و رسول پروان. (۱۳۸۹). تحولات فرش دست‌باف ایران در دوره‌ی قاجاریه (با تکیه بر بازار بین‌المللی فرش). *مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ*. ۲ (۵)، ۳٦-۱، پاییز ۱۳۸۹.
- اتیک، آنت. (۱۳۸٤). فرش‌های دوران قاجاریه در: *تاریخ و هنر فرش‌بافی در ایران بر اساس دایرة المعارف ایرانیکا* (ترجمه‌ی رجبعلی لعلی خمسه). (چاپ اول). زیر نظر احسان یارشاطر، تهران: نیلوفر.
- احمدی کرمانی، یحیی. (۱۳۸٦). *فرماندهان کرمان* (چاپ چهارم). تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: علم.
- اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ٥٤، پوشه ۲۵، سند ۱، ۱۳۲۹ق.
- اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ٥٤، پوشه ۲۵، سند ۲، ۱۳۲۹ق.
- اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ٥٤، پوشه ۳، سند ۲، ۱۳۳۰ق.
- اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ٥٤، پوشه ۳، سند ۲۸، ۱۳۳۰ق.
- اسناد وزارت امور خارجه، کارتن ۳۰، پوشه ٤۱، سند ۳، ۱۳۳۰ق.
- اشرف، احمد. (۱۳۵۹). *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران* (چاپ اول). تهران: انتشارات زمینه.
- افضل‌الملک، غلامحسین‌خان. (۱۳٦۱). *سفرنامه‌ی خراسان و کرمان*. به اهتمام قدرت‌الله روشنی، مشهد: توس.
- افشار، ایرج. (۱۳۵۲). سفرنامه‌ی تلگرافچی فرنگی. معرف ایرج افشار. فرهنگ *ایران زمین*، ۱۹، ۲٦۰-۱۸۳.
- امین، عبدالامیر. (۱۳۷۰). *منافع بریتانیا در خلیج فارس* (ترجمه‌ی علی رجبی یزدی). (چاپ اول). تهران: موسسه‌ی انتشارات امیرکبیر.
- انتنر، مروین. ل. (۱۳٦۹). *روابط بازرگانی روس و ایران۱۹۱٤-۱۸۲۸م* (ترجمه‌ی احمد توکلی). (چاپ اول). تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم. (۱۳٤۵). *جغرافیای مملکت کرمان*. تألیف: احمدعلی خان وزیری، فرهنگ ایران زمین، ۱٤، ۸۷-۵.
- بیگدلی، علی و رضا صحت‌منش. (۱۳۹٤). شال‌بافی کرمان در دوره‌ی قاجار (۱۲۹٦-۱۲۰۹ق). *پژوهش‌های تاریخی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۷ (۱)، ۱۸-۱، سال پنجاه و یکم، دوره‌ی جدید.
- پاتینجر، هنری. (۱۳٤۸). *سفرنامه‌ی پاتینجر* (ترجمه‌ی شاپور گودرزی). (چاپ اول). تهران: کتابفروشی دهخدا.
- پاولویچ، میخائیل، و. تریا و س. ایرانسکی. (۱۳۵۷). *سه مقاله درباره‌ی انقلاب مشروطه ایران* (ترجمه‌ی محمدباقر هوشیار). (چاپ دوم). تهران: شرکت سهامی، کتاب‌های جیبی با همکاری انتشارات امیرکبیر..

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

– جمالزاده، محمدعلی. (۱۳۸٤). *گنج شایگان: اوضاع اقتصادی ایران* (چاپ سوم). تهران: سخن.
– حشمتی‌رضوی، فضل‌الله. (۱۳۸۰). *فرش ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
– خواجه احمد عطاری، علیرضا، محمدتقی آشوری، بیژن اربابی و مهدی کشاورز افشار. (۱۳۹٦). تأثیر جایگاه غرب بر قالی‌های دوره‌ی قاجار. *دو فصلنامه‌ی علمی پژوهشی گلجام*، ۳۱، ۲۰-۵.
– خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ. (۱۳۷۵). *سفرنامه‌ی خانیکوف* (مترجمان اقدس یغمائی و ابوالقاسم بیگناه). (چاپ اول). مشهد: آستان قدس رضوی.
– زکریایی کرمانی، ایمان، حمیدرضا شعیری و شهرزاد فروغی. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر تغییرات قدرت سیاسی بر تحولات فرش کرمان در عصر قاجار با تأکید بر عصر نوزایی در فرش کرمان. *مطالعات تطبیقی هنر*، سال دوم، ٤، ۳۵-۱۷.
– ژوله، تورج. (۱۳۸۱). *پژوهشی در فرش ایران* (چاپ اول). تهران: یساولی.
– سایکس، سرپرسی مولزورث. (۱۳۳٦). *سفرنامه‌ی سایکس* (ترجمه‌ی حسین سعادت نوری). (چاپ دوم). تهران: ابن سینا.
– سیف، احمد. (۱۳۷۳). *اقتصاد ایران در قرن نوزدهم* (چاپ اول). تهران: نشر چشمه.
– عیسوی، چارلز. (۱۳٦۲). تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار، ۱۳۳۲-۱۲۱۵ق) (ترجمه‌ی یعقوب آژند). (چاپ اول). تهران: نشر گستره.
– عین‌السلطنه قهرمان‌میرزا. (۱۳۷٦). *روزنامه‌ی خاطرات عین‌السلطنه* (جلد ۲). به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، تهران: اساطیر.
– فلور، ویلم. (۱۳۷۱). *صنعتی شدن ایران و شورش احمدخان مدنی* (ترجمه‌ی ابوالقاسم طاهری). (چاپ اول). تهران: انتشارات توس.
– فوران، جان. (۱۳۸۵). *مقاومت شکننده* (ترجمه‌ی احمد تدین). (چاپ ششم). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
– کتاب آبی (۱۳٦۲). *گزارش‌های محرمانه‌ی وزارت امور خارجه انگلیس درباره‌ی انقلاب مشروطه‌ی ایران* (چاپ اول). (جلد ۵). به کوشش احمد بشیری، تهران: نشر نو.
– کرزن، جرج. ناتانیل. (۱۳۷۳). *ایران و قضیه‌ی ایران* (ترجمه‌ی غلامعلی وحید مازندرانی). (چاپ چهارم). جلد۲. تهران: علمی و فرهنگی.
– کمالی، مریم (۱۳۹۰الف). اسناد پارلمانی انگلستان (۲) کرمان ۱۹۰٤-۱۹۰۲م. *فصلنامه‌ی اسناد بهارستان*، سال اول، تابستان ۱۳۹۰، ۲، ۳٤۸-۳۳۳.
– کمالی، مریم. (۱۳۹۰ب). اسناد پارلمانی انگلستان (۳) کرمان ۱۹۰٦-۱۹۰٤م. *فصلنامه‌ی اسناد بهارستان*، سال اول، پائیز ۱۳۹۰، ۳، ۳۷۰-۳۵۹.
– کمالی، مریم. (۱۳۹۰ج). اسناد پارلمانی انگلستان؛ اسناد کنسولگری در اصفهان ۱۹۰٦-۱۹۰۱م. *فصلنامه‌ی اسناد بهارستان*، سال اول، بهار ۱۳۹۰، ۱، ۲۵۳-۲٤۰.
– کمالی، مریم. (۱۳۹۱). اسناد پارلمانی انگلستان (۵) کرمان ۱۹۱۲-۱۹۰۹م. *فصلنامه‌ی اسناد بهارستان*، سال دوم، بهار ۱۳۹۱، ۵، ۳۸۷-۳۵۳.
– کولاگینا، لودمیلا. (۱۳۵۹). *استیلای امپریالیسم بر ایران* (ترجمه‌ی سیروس ایزدی). (چاپ اول). تهران: انتشارات علم.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

– گرانتفسکی، ادوین. آریدوویچ، ایلیا پاولوویچ پطروشفسکی، محمد داندامایف، گنادی آندری کاشلنکو، میخائیل سرگی یوویچ ایوانف و ل. ک. بلوی. (۱۳۸۹). *تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز* (ترجمه‌ی کیخسرو کشاورزی). (چاپ سوم). تهران: مروارید.
– لعبت‌فرد احمد و جهانبخش ثواقب. (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر رشد صادرات فرش و پیامدهای اقتصادی آن در قرن نوزدهم میلادی. *تاریخ ایران*، ۲۰ (۷۸/۵)، ۱۲۶–۸۷.
– ملکم، سرجان. (۱۳۸۰). *تاریخ کامل ایران* (ترجمه‌ی میرزا اسماعیل حیرت). (چاپ اول). تصحیح قمی‌نژاد، به کوشش علی اصغر عبداللهی. تهران: افسون.
– موژل، فرانسوا و سورین پاکتو. (۱۳۷۷). *تاریخ روابط بین‌الملل* ۱۹۹۰–۱۸۱۵م (ترجمه‌ی علی بیگدلی و منصور رحمانی). (چاپ اول). تهران: موسسه انتشاراتی عطا.
– وزیری کرمانی، احمدعلی خان. (۱۳۸۵). *جغرافیای کرمان* (چاپ پنجم). تصحیح باستانی پاریزی. تهران: نشر علمی.
- and consular reports Persia. (1907). *no 3839 annual series, report for the year 1906-07 on the trade of the Kerman consular district*. London: Harrison and sons.
- diplomatic & consular reports Persia. (1908). *no 4087 annual series, report for the year ending march 20, 1908 on the trade of the Kerman consular district*. London: Harrison and sons.
consular reports Persia. (1915). *no 5482 annual series, report for the year 1913-* & diplomatic - *.1914, on the trade of the Kerman consular district*. London: Harrison and sons
- Floyer, Ernest Ayscoghe. (1882). *Unexplored Baluchistan, Mekran, Bashkurd, Persia, Kurdistan, and Turkey*. London: Griffith & Farran.
- Landor, Arnold Henry savage. (1903). *across coveted lands, or a journey from lushing to Calcutta overland* (2). New York: Charles Scribner sons,.
- The National Archive. (1906). Diary of H. B. Ms Vice Consul. Birjand for Period ending 18th, 19, Fo 248/883.

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]
[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]

Investigating the Association between Capitalist System and Carpet Industry in Kerman during Qajar Period

Reza Sehhat Manesh

Associate Professor and Board Member, Department of History, Faculty of Humanities, Jiroft University

rsm.hist@Gmail.com

Abstract

Carpet weaving was the most important industry of Kerman province in the end of Qajar period. This industry attracted a large number of manpower and allotted itself the highest number of exports. many factors affected the flourishing of carpet weaving of Kerman. The most effective factor in the prosperous of the industry was foreign investment and demand. In this study, the author set out to discuss about weaving of carpet in Kerman and want to response to the following question; What was the association between the capitalist system and the global market with carpet industry of Kerman during the Qajar period? The research method of this paper is descriptive-analytic and the author refers to the historical records and documents. Findings of the study show that the growth of carpet weaving ensued by a type of global division of labor and based on that, Iran is located on the edge of international business system. Concentration on carpet weaving caused others industries to diminish and their human resource to attract to carpet weaving. Therefore, carpet weaving was on the pinnacle of Kerman and even Iran industries. Rate of carpet export embraced 53/21 percent of the whole of Kerman's export between the years 1906 to 1907 (1324-1325 SH). This number increased to over 99/5 percent between the years 1909-1910 and on the year WWI started (1913-1914), export of Iranian carpet and shawl to Europe and America through Bandar Abbas increased to 97/78 percent of Kerman's export.

Keywords: Capitalist, Carpet weaving, Carpet exportation, Kerman, Qajar

گلجام
دوفصلنامه علمی
انجمن علمی
فرش ایران
شماره ۳۵
بهار و تابستان ۱۳۹۸

[Downloaded from goljaam.icsa.ir on 2026-11-15]

[DOR: 20.1001.1.20082738.1398.15.35.1.1]